

# پرورش کودک از دیدگاه «غزالی»

دکتر محمد غفرانی  
استاد دانشگاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظامیه بغداد کناره گیرد و بسوی خانه خدا روی آورد و پس از انجام مناسک حج به شام بازگشت و در مسجد جامع آن شهر به عبادت و ریاضت نفسانی و ترک لذائذ دنیوی معتکف گردید و جایگاهی که وی در آن نماز می‌گذارد است تا به امروز محراب غزالی نام دارد و سپس بار دیگر به بغداد بازگشت و مهمترین کتاب خود را بنام «احیاء علوم الدین» تألیف کرد و آنگاه آهنگ نیشابور نمود و مدتی نیز در مدرسه نظامیه این شهر به تعلیم و تدریس اشتغال ورزید و از آنجا مجدداً عازم مسقط الرأس خود شد و در کنار خانه خود مدرسه‌ای برای علما و فقهای خراسان

یکی دیگر از مریبان بزرگ اسلام که به پرورش کودک توجه خاص میدول داشته ابوحامد محمد بن غزالی است. وی از بزرگترین متفکران جهان اسلام است و از مخالفین سرسخت پیروان فلسفه، غزالی در شهر طوس زادگاه شاعر حماسه سرای ایران - زهین ابوالقاسم فردوسی بسال (۴۵۰ هـ) چشم به جهان گشود و در سال (۵۰۵ هـ) در سن پنجاه و پنج سالگی در همان شهر بدرود زندگی گفت، غزالی مدتی در مدرسه نظامیه بغداد بتدریس علوم اسلامی و حکمت و عرفان پرداخت و شهرتی بسزا یافت ولی گرایش به افکار عرفانی او را بر آن داشت که از سمت استادی

و خانقاهی برای صوفیان و اهل طریقت بساخت و تا پایان عمر لحظه‌ای از افاضه و ارشاد باز نایستاد و نکته قابل توجه آنکه غزالی شریعت و طریقت را ملازم یکدیگر می‌داند و معتقد است همانگونه که اکتساب علوم نیاز به استاد دارد کسب فضائل نفسانی و سجایای اخلاقی نیز مستلزم درک فیض از «محضر مربی اخلاق و پیر طریقت است و خلاصه آنکه غزالی سعادت انسان را غایت سلوک اخلاقی وی می‌داند و دانشی که با تزکیه نفس همراه نباشد زیانبخش است (چو دزدی یا چراغ آید گزیده تر برد کالا) باری خوانندگان گرامی برای آگاهی از شرح احوال و آثار این دانشمند بزرگ اسلامی می‌توانند به کتبی که ذیلا از آنها نام می‌بریم مراجعه کنند:

- ۱- غزالی‌نامه تألیف استاد معظم جلال‌الدین همائی، چاپ تهران.
  - ۲- الاخلاق عند الغزالی تألیف دکتر زکی مبارک چاپ قاهره.
  - ۳- الغزالی تألیف طه عبدالباقی سرور، چاپ قاهره.
  - ۴- بحث فی المذهب التربوی عند الغزالی، چاپ قاهره.
  - ۵- الغزالی فی فلسفه الاخلاق و الصوفیه تألیف دکتر محمد البسی، چاپ قاهره.
- غزالی دربارهٔ تعلیم و تربیت که موضوع گفتار ما است رسالهٔ بعنوان «ایها الولد» - ای فرزند - تألیف نموده که در آن شرائط پرورش کودک را با روش علمی بیان کرده است و نیز در ضمن دیگر تألیفاتش چون کتاب «کیمیای سعادت» و کتاب «احیاء

العلوم» بخشی به تربیت کودک و آداب معلم و متعلم اختصاص و بگفتهٔ استاد جلال‌الدین همائی غزالی از میان مریبان دوران نخستین اسلام یگانه دانشمندی است که به مسئله تعلیم و تربیت کاملاً توجه داشته و بیش از همه در این زمینه تحقیق کرده است و یکی از ابتکارات مهم غزالی در پی- ریزی پایهٔ تعلیم و تربیت صحیح برهم زدن شیوهٔ ناهنجاری بود که غالباً بمجادلات تعصب‌آمیز دامن می‌زدند و مآلاً پژوهشگران را از تفکر و تتبع باز می‌داشت و همانگونه که قبلاً اشاره نمودیم وی با نظریات جدید خود ثابت کرد که تنها علوم اکتسابی برای نیل به مدارج کمال و تخلق بسجایای حمیده کافی نیست و همانطور که برای آموختن این علوم نیاز به معلم و راهنما داریم برای کسب فضائل اخلاقی به مرشد و مربی نیز نیاز مندیم. استاد جلال‌الدین همائی میگوید: گویا غزالی نخستین کسی است که دربارهٔ تربیت کودک به تفصیل سخن گفته و پایهٔ علمی را گذاشته است که یکی از شعب مهم علوم تعلیم و تربیت شمرده می‌شود. (۱) بدیهی است که منظور استاد از این تعبیر آن است که پیش از غزالی کسی را سراغ نداریم که با روش علمی و انتقادی کتابی و یا رساله‌ای در زمینهٔ پرورش کودک تدوین کرده باشد و گر نه مایه- های فراوانی پیش از غزالی در دست داریم که ویژهٔ تعلیم و تربیت کودکان است و از آنجمله می‌توان کتاب

۱- غزالی‌نامه: استاد جلال‌الدین همائی ص ۳۹۷-۳۹۸، چاپ تهران.

ابوالحسن قابسی را درباره تربیت کودک نام برد وی از فقهای طراز اول قرن چهارم هجری است و ما در شماره (۹۶) مجله مکتب ماسام از آراء و نظریات وی در امر تربیت کودک به تفصیل سخن گفته‌ایم، بهر حال شایسته است مقایسه اجمالی میان کتاب «الرسالة المفصلة لاحوال المعلمين و التعلیمین» قابسی و کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی به عمل آید تا از این گذرگاه علاقمندان بویژه مربیان و آموزگاران گرامی با نهاد-

های تعلیم و تربیت اسلامی پیش از پیش آشنا شوند و ما در اینجا بطور خلاصه و فهرست‌وار به نظریات غزالی در مسأله پرورش کودک و همچنین وظائف استاد و شاگرد اشاره مینمائیم باشد که در آینده زمینه چنین مقایسه برای کارشناسان امور تربیتی فراهم گردد.

#### الف - پرورش کودک:

غزالی برای شکوفائی استعداد- های نهفته کودکان و وظائفی را به پدران و اولیاء آنان توصیه مینماید که باجمال عبارتند از:

۱- ولی کودک باید در تهذیب اخلاق فرزند خود بکوشد و رفتار و کردار پسندیده را به او بیاموزد و وی را از هم نشین بد دور نگهدارد.

۲- ولی کودک نباید فرزندش را به تنم و نازپروری عادت دهد چه این‌گونه رفتار پرورش کودک را در جهت رشد فکری با مشکلات مواجه می‌گرداند.

۳- هرگاه ولی کودک علائم هوش سرشار و استعداد فوق‌العاده را در

فرزندش مشاهده نماید باید که در جهت شکوفائی آن سعی بلیغ مبذول دارد و بداند که فرزندش از خردی تابناک برخوردار است.

۴- ولی کودک باید فرزندش را روش صحیح خوردن و آشامیدن بیاموزد و او را عادت دهد که بر سر سفره در خوردن بر دیگران سبقت نجوید و نزاکت را رعایت کند بویژه آنکه چشم بر غذا اندوزد و همچنین به کسی که با وی غذا می‌خورد نظر نیفکند و لقمه را آرام در دهان گذارد و آنرا نیکو بچود و از آنچه در پیش او نهاده‌اند برگیرد و از آلوده کردن دست و جامه خودداری کند (زهی به این دستورات که از نشانه‌های مردم متمدن و ملت‌های مترقی جهان امروز بشمار می‌آید).

۵- ولی کودک باید فرزندش را از زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن باز دارد و او را تشویق کند که برای تغذیه جسم حسانتدال نگهدارد و ذائقه خود را با انواع ماکولات عادت دهد.

۶- شایسته است که ولی کودک فرزندش را به پوشیدن جامه سفید تشویق کند و به او بفهماند که نظافت جامه نشانه وارستگی انسان است هرچند ساده باشد و نباید تن را به پوشانیدن جامه فاخر عادت داد.

۷- ولی کودک باید تشویق را ملاک پیشرفت فرزند خود قرار دهد و بهتر آنست که تشویق در میان جمع صورت گیرد تا وی را به ادامه کارهای نیک برانگیزاند و چنانچه

رفتار ناشایستی از او سرزند برای نخستین بار شایسته آنست که پدر تجاهل نموده بویژه اگر آثارش مردمگی و پشیمانی در سیمای کودک نمودار شود و در صورت تکرار مقتضی است که او را بطور خصوصی و دور از انظار همگنانش سرزنش و تنبیه نماید چه تنبیه علنی کودک را رفته رفته جری و گستاخ مینماید و بالمال نقض غرض خواهد شد.

۸- ولی کودک باید فرزند خود را از عواقب تنبلی برحذر بدارد و بهتر است که روز نخوابد و شب زودتر به بستر خواب رود.

۹- باید کودک را از کارهای خفیه که معمولاً در انظار نمی توان انجام داد برحذر دارد زیرا کودک به خوبی می داند که کار زشت و ناروا را نمی تواند بطور علنی انجام دهد.

۱۰- ولی کودک باید فرزندش را گاهی در روز به راه پیمانی که در تقویت عضلات جسم وی سودمند است تشویق کند تا رفته رفته بسا چابکی و سرعت حرکت خوی گیرد.

۱۱- باید فروتنی و عفت بیان را به کودک آموخت و به او بفهمانند که خودخواهی و برخ کشیدن ثروت پدر و مادر بر سایر هم سالانش صفتی ناپسند و زشت است.

۱۲- کودک باید با مناعت طبع پرورش یابد و بداند که دست آزدن صفتی نامحمود است و بزرگی در اعطا و بخشاینده گی است و شایسته نیست که از کودکان دیگر چیزی بستاند زیرا اگر کودک از خانواده متمکن باشد دست اخاذی او را پست

و فرومایه گرداند و مستوجب سرزنش خواهد شد.

۱۴- ولی کودک باید به فرزندش آداب معاشرت بیاموزد و او را عادت دهد که در حضور دیگران آب دهن یا بینی نیندازد و خمیازه نکشد و در مجلس بی جهت پشت بدیگری نکند و پا روی پا نیندازد و کف دست زیر چانه نگذارد و سر بر بازو نگذارد و از بیپوده سخن گفتن امتناع ورزد و سخن کوتاه گوید.

۱۵- به کودک باید تعلیم دهند که سوگند نخورد خواه در سخن صادق باشد یا دروغ زن تا سرشت او نگردد.

۱۶- به کودک باید بیاموزند که تا کسی از وی ستوالی نکرده به پاسخ مبادرت نکند و چون بزرگتر از وی سخن بگوید گوش فرا دهد و در مجلس به احترام بزرگتر از خود برخیزد و جای نشستن برایش بگشاید.

۱۷- کودک را باید سخن نیکو آموخت تا از یاوه سرانی و بیپوده گوئی احتراز جوید و از دشنام دادن پرهیز کند.

۱۸- پدر باید فرزند خود را از همان اوان کودکی به بردباری و شکیبانی و دلیری عادت دهد و از ضحک و التماس که نشانه زبونی و ضعف است برحذر بدارد.

۱۹- شایسته است که کودک پس از بازگشت از مدرسه اندکی خود را با بازیهای سالم سرگرم کند تا مجدداً بوجد و نشاط آید و چنانچه کودک را از بازی بازدارند روحش

بزرگوار خواهد شد و خمودی و عدم تحرك بر ذهن و جسم وی غلبه خواهد کرد و از رفتن به مدرسه با بهانه و تعلل خودداری میکند و به اصطلاح شاگردی گریزی پای می‌شود.

۲۰- پدر باید حس احترام به بزرگتر را در فرزندش تقویت کند تا پیروی از دستورات پدر و مادر و آموزگار و بزرگتر از خود را بارغبت پذیرا شود.

۲۱- کودک چون بسن رشد و مرحله تشخیص رسید باید که او را با آثار و لوازم ناشی از مرحله بلوغ آشنا کنند و برعایت طهارت و انجام فرائض مذهبی توصیه و تشویق نمایند.

۲۲- کودک را باید به مضرات و عواقب وخیم‌دزدی، خیانت، دروغ‌زنی، اعمال زشت و فحشا متوجه ساخت تا مرتکب آنها نشود.

این بود فشرده‌ای از دستورات غزالی درباره پرورش کودک و از میان آنچه گفته شد سه دستور بسیار جالب و شایان توجه است یکی پوشیدن جامه سفید که خود علاوه بر سنت بودنش مستلزم رعایت بیشتر نظافت می‌باشد زیرا چرکی در جامه سفید از دیگر رنگها نمایان‌تر است بدین ترتیب ملاحظه مینمائیم که غزالی از این راه اصل بهداشت عمومی را در محیط مدرسه امری ضروری می‌داند و دستور دوم آموختن آداب معاشرت است که نشانگر فرهنگ و تمدن غنی اسلام در قرن پنجم هجری است و بحق باید گفت آدابی است که امروزه در مجالس رسمی دنیا متداول

می‌باشد و از آن به «اتیکت» تعبیر مینمایند، سومین دستور که به نظر این نویسنده بسیار مهم و قابل‌تجسین است آشنا ساختن جوان نارس با مسأله بلوغ در حد احساس نیاز و بر مبنای موازین شرع مقدس اسلام و اینکه جوانان باید در این زمینه آموزش لازم را ببینند تا از انحرافات اخلاقی در امان بمانند و بالمال فساد و تباهی که غالباً منشأ آن تمایلات جنسی است در صفوف جوانان رخنه نکند بدیهی است که این نوع آموزش با شناخت مسائل جنسی متداول در برخی از کشورهای جهان امروز تفاوت و تباین کلی دارد بدین معنی که روش تعلیمی مریبان اسلامی بر اساس تقوی و عفت و آرم و سازندگی يك جامعه ارزشمند و معتقد به مبانی اخلاقی متکی می‌باشد.

#### الف - وظائف استاد در مدرسه:

غزالی خود سالهای متعددی به تدریس اشتغال داشت و طی آن تجربیات ارزنده بدست آورد، گویند در آن هنگام که در مدرسه نظامیه بغداد تدریس می‌کرد بیش از سیصد شاگرد در حلقهٔ درسش حضور می‌یافتند (۲). بدین ترتیب غزالی نیمی از عمر خود را صرف تدریس نمود و به حکم پیشهٔ معلمی درصد برآمد روشی نو در امر تعلیم و تربیت ارائه دهد و از آموزش به تفصیل سخن بگوید غزالی به تدریس عشق می‌ورزید و حرفهٔ معلمی را برترین حرفه‌ها می‌دانست ولی از دیدگاه فضائل معنوی، وی معتقد بود که معلم باید

سعادت ابدیت را برای خود و شاگردانش فراهم آورد و در تحصیل علوم دنیوی نیز جانب فضائل نفسانی را مد نظر داشته باشد و در همه خشنودی ایزد متعال را بدست آورد، تعلیم یعنی شناخت و بینش که ملازم صفای باطن است و معلم آن کسی است که از این موهبت آسمانی برخوردار باشد و به تعلیم با دیده تقدیس و ستایش بنگرد و هرچند تعلیم خود فی حد ذاته همانگونه که اشاره شد حرفه‌ای بیش نیست ولی از جنبه معنوی ارج و منزلتی خاص دارد، تا بدانجا که پدر روحانی لقب یافته است و احادیث بسیاری در این باب از رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) روایت شده است و ما به هنگام بحث درباره کتاب «منیة المرید شمسیدانی» به پاره‌ای از آنها اشاره نمودیم و مقام و منزلت معلم را همین بس که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید «من علمنی حرفاً قد صرت له عبداً» باری غزالی با آنکه معلمی را یک سمت روحانی می‌شناسد ولی به مقتضای رابطه وی با شاگرد لازم می‌داند که به منظور حسن انجام وظیفه معلمی در پیشمیرد معلومات و محفوظاتش نکات زیر را رعایت کند:

۱- معلم باید با شاگردانش دلسوز و وفادار باشد و آنانرا بمنزله فرزندان خود بداند و لازمه این شفقت و مهربانی آن است که شاگردان نیز بنوبه خود حق استاد را پاس دارند و با یکدیگر چون فرزندان یک پدر مهربانی و الفت داشته باشند.

۲- معلم باید به پیروی از رهبر

عالیقدر اسلام رسول اکرم در پی دریافت مزد نباشد و تنها خشنودی ذات حضرت احدیت را طلب نماید.

۳- معلم باید از پند دادن به شاگرد دریغ نورزد و به او توصیه نماید تا صلاحیت تصدی مقامی را احراز نکرده است از قبول آن امتناع ورزد.

۴- معلم باید با اشاره و کنایه شاگرد بدآموز را متنبه گرداند و با ملاطفت با او سخن بگوید و از خشنونت اعراض جوید، چه تشدد و توبیخ شاگرد را گستاخ کند و پرده شرم وی دریده شود و به تکرار خلاف مبادرت و حرص ورزد.

۵- معلم نباید شاگرد را نسبت به علمی بی‌علاقه کند بویژه اگر خود از آن علم بی‌بهره باشد مانند معلم زبان که علم فقه را ناچیز بداند و از آن انتقاد کند و دانش‌آموز را نسبت به آن علم بدبین سازد بلکه بعکس معلم باید راه تحصیل را پر روی دانش‌آموز بگشاید و او را به ارتباط با سایر معلمان تشویق و ترغیب نماید و بی‌جهت و بدون صلاحیت دانش‌آموز را رتبه ارتقا ندهد.

۶- معلم باید در سطح فهم و درک دانش‌آموز سخن بگوید و مطالبی مافوق قوه فهم و استعداد آنها القا ننماید. (و امام علی بن ابیطالب علیه السلام در همین جهت می‌فرماید: کلم الناس علی قدر عقولهم).

۷- چنانچه شاگردی در فهم درس

۲- الاخلاق عندالغزالی تالیف دکتر زکی مبارک ص ۲۸۵، چاپ قاهره.

قصور ورزید معلم باید بطور ساده مطلب را برای وی توضیح دهد بدون آنکه دانش‌آموز احساس کند استاد از اشاره بدقائق مطلب خودداری کرده است (بدیهی است که این دستورالعمل تا چه اندازه در تشویق دانش‌آموز و حفظ شخصیت وی مؤثر می‌باشد).

۸- معلم باید به آنچه میگوید ایمان داشته باشد و رفتارش مبین گفتارش باشد و به طور کلی همه مردم باید سعی کنند که گفتار و کردار خود را هم‌آهنگ سازند البته مربی و معلم بطریق اولی باید از این خصیصه انسانی برخوردار باشند.

۹- معلم باید جامعه پاکیزه برتن کند و با حشمت و وقار با دانش‌آموزان برخورد کند تا در چشم آنان حقیر ننماید. غزالی این مطلب را در باب «آداب‌المعلم» نیاورده ولی استطراداً در باب «النظافة من الایمان» بدان اشاره کرده است و خلاصه آنکه برهر دانشمندی فرض است با ظاهر آراسته در جمع حضور یابد و در شکل و هیأتی نباشد که موجب تنفر دیگران گردد.

۱۰- معلم باید پیش از شروع درس دانش‌آموزان خود را مورد آزمایش قرار دهد چنانچه فردی آمادگی یا صلاحیت تحصیل نداشت از تعلیم وی انصراف جوید زیرا به عقیده غزالی کسی که در رفتار و سلوک و سایر مسائل زندگی بی‌بند و بار باشد حق تحصیل ندارد، مرحوم دکتر زکی مبارک استاد معاصر زبان و ادبیات عرب کشور مصر معتقد

است که غزالی در این مورد راه‌اشتباه پیموده چه وظیفه معلم تنها ارشاد و یاد دادن است و وظیفه شاگرد یادگیری و قبول ارشاد دیگر ماضمن آن نیستیم که این شاگرد از معلومات خود حسن استفاده خواهد کرد یا سوء استفاده هرچند اگر شخصی از راه تحصیل بدآموز شد و زیان و مفسده ببار آورد مثل وی چون شمشیری است که بدست راهزنی دهند و گویند این نشانه سخاوت و بخشایش است ولی بهتر آن بود که غزالی این نقیصه را به صورتی دیگر مرتفع می‌ساخت و به معلم توصیه می‌نمود که در جهت تربیت شاگردش بکوشد و سوء نیت او را به حسن نیت مبدل گرداند. و اماضنت داشتن در افاضه علم امری ناپسند و فرار از زیر بار مسئولیت خواهد بود و این روش جنبه منفی دارد و ثمربخش نخواهد بود. (۳)

### ب - وظائف شاگرد در مدرسه

غزالی پس از بیان وظائف استاد رعایت نکات زیر را به شاگردان نیز توصیه مینماید:

۱- طالب علم باید خود را از پلیدیها پاک کند و صفات ناپسند را از خود دور سازد.

۲- طالب علم باید روی ازعلائق دنیوی بتابد و در ایام تحصیل مراده با خویشان و بستگان خودداری کند تا ذهنش در یک نقطه و آن کسب دانش متمرکز گردد.

۳- طالب علم باید به استادش به عنوان یک پزشک متخصص دلسوز و مهربان بنگرد.



این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پرتال جامع علوم انسانی  
پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی